



همگرایی مسلمانان زمینه‌ها، عوامل و موانع

سعید عطاریان

سخن نخست

بارزترین نقش دین، حیات بخشی آن است، چرا که با بنیادی‌ترین مؤلفه‌های حیات بشری سر و کار دارد و هدف خود را زنده کردن انسان‌ها معرفی کرده است:

یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول إذا دعاکم لما یحییکم؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.

در این راستا دین ماندگارترین پیام‌ها و دستورات را در راه رسیدن به هدف متعالی احیای روح و جان بشر عرضه کرده است که توجه به آنها جوامع انسانی را از رکود و رخوت‌هایی می‌دهد و در راه رسیدن به آرمان‌های بلند و تابناک هدایت می‌نماید؛ در نهایت، هدف دین به وجود آمدن جوامع سالمی است که اصول و قوانین الهی در آنها حاکم است و انسان‌ها در نهایت سرزندگی و پویایی به سر برند.

این میان یکی از حیاتی‌ترین دستورات الهی، همگرایی و وحدت است که در موارد متعددی قرآن انسان‌ها را به یکپارچگی و یکی شدن فراخوانده و از جدایی و تفرقه پرهیز داده است.^۲ معروف‌ترین آیه در این باره آیه اعتصام است:

واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا؛^۳ و همگی به‌ویسما
خدا چنگ زنی و پراکنده نشوید.

رسول مکرم اسلام هم در موارد بسیاری مسلمانان را به همگرایی و برادر هم بودن دعوت فرموده است، در این جا به ذکر یک روایت از آن وجود مقدس اکتفا می‌کنیم، پیامبر اسلام (ص) فرمود:

ذمة المسلمین واحدة یسمی بها أذانهم؛^۴ مسلمانان بر یک پیمانند و همه بر آن پابینند.

و هم او فرمود:

و هم ید علی من سواهم ...؛^۵ همگی در صفی واحد در مقابل بیگانگان هستند.

بر اساس این رهنمود روشن قرآن و هدایت‌های الهی پیامبر بزرگ اسلام، منادیان صالحی در طول تاریخ یکصدساله مسلمانان ندای اتحاد و همگرایی مسلمانان را سر داده و راهکارهای اجرایی این پدیده میمون را ارائه داده و خود عملاً وارد میدان کار شده و قدم‌های مؤثری در عملی نمودن این امر برداشته‌اند که پیگیری و استمرار این اقدامات می‌تواند سرنوشت مسلمانان را در آینده تحت تأثیر قرار دهد و دست دشمنانشان را از بلاد اسلامی کوتاه و حیات قرآنی را به جوامع اسلامی ارزانی نماید.

امام شرف‌الدین^۶ در بین منادیان اتحاد و همگرایی مسلمانان، جایگاه بس ویژه و برجسته‌ای دارد و بر اندیشمندان اسلامی و تمام کسانی که دل در گرو دین دارند فرض است تا درباره ایده‌ها و آرمان‌ها و اقدامات این شخصیت بزرگ اسلامی و اصلاح طلب راستین، تحقیق کنند و از سرمایه‌های فکری و عملی او در رسیدن

۱. انفال/ ۸، آیه ۲۴.

۲. ر. ک: انفال (۸) آیه ۴۶ و آل عمران/ ۳، آیات ۱۰۱ و ۱۰۵؛ حجرات/ ۴۹، آیات ۱۰ و ۱۳ و توبه/ ۹، آیه ۷۱ و فتح/ ۴۸، آیه ۲۹ و انعام/ ۶، آیه ۱۵۹.

۳. آل عمران/ ۳، آیه ۱۰۳.

۴. مستلوك الوسائل، ج ۱۱، ص ۴۵؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۸۹؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۴۵.

۵. امالی صدوق، ص ۴۳۲؛ وسائل، ج ۲۹، ص ۷۵ (چاپ آل‌البت).

۶. سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی.

وقتی خداوند درباره غیر مسلمانان به همگرایی فرمان می دهد، بی شک درباره مسلمانان که برای یک سلسله امور (که بیشتر جزء فروع دین است) از همدیگر جدا شده اند دستور الهی الزام آورتر و همراه با تأکید بیشتری است. توجه به اوضاع کنونی در جهان و نقشه ها و توطئه های قدرت های استکباری و استعماری برای نابودی اسلام و مقابله با مسلمانان و غارت منابع و ذخایر مادی و معنوی آنان ضرورت همگرایی مسلمانان در صحنه بین الملل اهمیتی بسیار می یابد.

ابوزهره استاد برجسته دانشگاه الازهر و ریاست دانشکده حقوق قاهره درباره ضرورت همگرایی مسلمانان می گوید:

این عصر، دورانی است که دولت ها و کشورها با یکدیگر متحد شده اند چون دریافته اند که بدون اتحاد با دیگر ملت ها شکست خواهند خورد، لذا اتحادیه ها و پیمان های نظامی بینشان به وجود آمده است که تماماً در دو اردوگاه شرق و غرب بوده، با این حال آیا ما مسلمانان حق نداریم در یک اتحادیه روحانی و معنوی گرد آییم که بر اساس غلبه سیاسی و قدرت طلبی استوار نشده باشد، بلکه مبتنی بر ایمان و اطاعت خداوند باشد.^۸

از این رو یکی از مسائل بنیادی و بسیار با اهمیت برای مسلمانان در سطح سیاست های جهانی و سیاست های منطقه ای مسأله «همگرایی مسلمانان» است. برای تجدید عظمت اسلام و تأمین رهایی مسلمانان از چنگال جنایتکاران شرق و غرب، تنها راه، اتحاد اسلامی است.^۹

مراد از همگرایی

در معنای همگرایی گفته اند:

پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجزای یک مجموعه به یکدیگر، مقابل واگرایی، مانند همگرایی کشورهای اروپایی در مقابل مداخلات آمریکا.^{۱۰}

با استفاده از معنای لغوی همگرایی به بیان مراد از آن می پردازیم. به نظر می رسد آنچه که غرض مصلحان بزرگ از اتحاد یا وحدت مسلمانان تاکنون بوده است همگرایی آنان است، یعنی پیوستگی و نزدیکی مجموعه مسلمانان، زیرا آنچه از این واژه به ذهن می آید همسویی و هم جهت شدن مسلمانان

به هدف بزرگ «همگرایی مسلمانان» بهره مند شوند، چرا که از یک سو عظمت این اندوخته ها به حدی است که می تواند برای نسل های بعد از خودش به منزله سنگ بناهایی باشد تا نقطه عزیمت بسیاری از تلاش های وحدت بخش قرار گیرد و از دیگر سو، اصرار دشمنان اسلام بر جدایی و تفرقه بین مسلمانان و اقدام عملی آنان و ابراز وجود در منطقه استراتژیک و مسلمان نشین خاورمیانه و اهداف شوم آنان که بی شک خواب های خطرناک و نگران کننده ای برای تمام مسلمین دیده اند ضرورت پرداختن به این بحث را صدچندان کرده و آن را از مهمترین مباحثی که شایسته توجه و پیگیری است قرار داده است.

این نوشتار با بهره گیری از منابع اسلامی و آثار سید شرف الدین به تبیین موضوع همگرایی مسلمانان پرداخته و در محورهای زیر سامان یافته است:

اهمیت و ضرورت همگرایی

اتحاد و همگرایی مسلمانان با توجه به زمینه های فراوان همگرایی در بین آنان از یک سو و داشتن دشمنان مشترک و قسم خورده از دیگر سو ضرورتی انکارناپذیر است؛ در این باره به نکته ای اشاره می شود که خالی از دقت نیست.

اصولاً وجود همگرایی و اتحاد در جامعه، فرمانی است عمومی که در قرآن از سوی خداوند صادر شده است و مسلمانان موظف به ایجاد رابطه و تعامل با غیر مسلمانان و اهل کتابی شده اند که در جامعه اسلامی زندگی می کنند، چرا که زمینه این تعامل در جامعه وجود دارد، قرآن می فرماید:

تَمَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً^۷؛ بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم.

خداوند به سبب وجود زمینه مشترک بین مسلمانان و غیر مسلمانان، که پرستش خداوند واحدی است، به مسلمانان شیوه گفتگو و تعامل با غیر مسلمانان را تلقین می فرماید و از آنان می خواهد در هنگام ارتباط با غیر مسلمانان بر نقاط اشتراک و زمینه های مشابه تأکید ورزند و از این زمینه ها برای همگرایی و نیز برای رسیدن به اهداف مشترک استفاده کنند.

۷. آل عمران/ ۸، آیه ۴۶ (یس/ ۳۶)، آیه ۶۰ و نساء/ ۴، آیه ۱۷۱.

۸. عبدالکریم بی آزار شیرازی، توحید کلمه، ص ۱۴۸، به نقل از استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، نوشته سید احمد موققی، ج ۲، ص ۲۲۶.

۹. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۱۲.

۱۰. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۸۴۱۱.

برای اهداف مشترک است و الا معنایی غیر از این که عبارت باشد از حصر مذاهب به یک مذهب، یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها^{۱۱} نه امکان پذیر است و نه هدف کسانی است که ندای اتحاد مسلمانان را سر داده اند، بلکه منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمانان است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان،^{۱۲} زیرا این دو جریان عقیدتی و فرهنگی و تاریخی وسیع را نه می توان درهم ادغام کرد و نه می توان یکی را به سود دیگری- یا به سود اسلام- نابود ساخت.^{۱۳}

پس مراد از همگرایی و اتحاد، رها کردن مایه های اختلاف و اتفاق بر نقاط اشتراک و ایجاد وحدت کلمه و تشکیل صف واحدی در مقابل دشمنان است. در این باره امام سید شرف الدین می گوید:

به نظر من اتحاد مسلمانان وابسته به این نیست که شیعیان از مذاهب شیعه و اهل سنت از مذهب خود دست بردارند.^{۱۴}

امکان همگرایی

در امکان این همگرایی باید گفت که این همگرایی در بخشی از مسلمانان که شامل چهار فرقه فقهی اهل سنت است تحقق یافته است و آنان علی رغم وجود اختلافات فقهی توانسته اند به آسانی و تحت یک عنوان واحد (اهل سنت) خود را جای داده و رفتار آنان به گونه ای است که سؤال از مذهب فقهی آنان از منظر آنان سؤال لغو و مایه تعجب به نظر می رسد. در این باره سید شرف الدین می گوید:

فاذا جاز ان تكون المذاهب اربعة فلماذا لايجوز ان تكون خمسة؟ وكيف يمكن ان تكون الاربعة موافقة لاجتماع المسلمين فاذا زادت مذهباً تمزق الاجتماع وتفرق المسلمون طرائق قداً؛^{۱۵} اگر جائز است که چهار مذهب باشد، چرا که پنج تایی آن جائز نباشد. چطور ممکن است چهار مذهب موافق با اجتماع و اتحاد مسلمانان باشد، اما همین که به پنج مذهب رسید اجتماع از هم پراکنده می شود و مسلمانان هر کدام به راهی می روند و این موجب از هم گسیختگی آنها خواهد شد.

پس اگر در میان چهار گروه مهم از مسلمانان همگرایی صورت گرفته و آنان اختلافات مذهبی در امور فرعی را کنار گذاشته و بر اصول مشترک گرد هم آمده اند این چهار گروه می توانند اختلافات در امور فرعی فقهی را با گروه پنجم (شیعه) هم به کناری نهند و بر مشترکات و زمینه های وحدت ساز تفاهم نمایند و در مقابل بیگانگان با قدرت و توان بیشتری مقاومت کنند و توطئه های آنان را نقش بر آب سازند.

امام شرف الدین هنگامی که در مراجعه چهارم از کتاب المراجعات به پاسخ سلیم بشری می پردازد به این نکته اشاره کرده است. سلیم بشری سؤال می کند: دلیل عدم التزام شما (شیعیان) به مذاهب جمهور مسلمین یعنی مذهب اشعری در اصول دین و مذاهب چهارگانه در فروع چیست، در حالی که پیشینیان صالح همگی به این مذاهب معتقد و ملتزم بوده اند؟ امام شرف الدین در پاسخ می گوید:

هلم بنا الى المهمة التي نهيتنا اليها من لم شعث المسلمین والذي اراه ان ذلك ليس موقوفاً على عدول الشيعة عن مذهبهم ولا على عدول السنة عن مذهبهم؛^{۱۶} هم اکنون نوبت آن رسیده که با هم درباره نجات مسلمانان از پراکندگی به بحث پردازیم، به نظر من این امر با عدول شیعه از مذهب و گرویدن به مذهب جمهور تحقق نمی پذیرد و نیز با عدول اهل سنت از مذهبشان محقق نمی شود.

زمینه های همگرایی

۱. دین اسلام

اسلام به عنوان مجموعه ای از دستورات خداوند از مهمترین زمینه های همگرایی مسلمانان است، قرآن نیز دین اسلام را زمینه همگرایی دانسته است.

مسلمانان چه شیعه و چه سنی هیچ هویتی آشکارتر و مهم تر از مسلمانی ندارند. این هویت افتخارآمیز را از دین اسلام کسب کرده اند و این هویت همه وجود آنان است و با تمام وجود به آن تعلق دارند و این مسئله نقطه عزیمت در تحقق وحدت و همگرایی بین مسلمانان است و مسلمانان همگی تحت عنوان دین اسلام داخل هستند و تعریفی که از اسلام ارائه شده است شامل همه آنها می شود.

۱۱. یادنامه علامه امینی (مقاله الغدير و وحدت اسلامی)، ۲۳۱-۲۴۲، به نقل از شرف الدین، نوشته محمدرضا حکیمی، ص ۱۷۳.

۱۲. همان.

۱۳. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۱۷۲.

۱۴. المراجعات، ص ۱۲.

۱۵. همان، ص ۱۳.

۱۶. همان، ص ۱۲.

مسلمانان است. در بیان محوریت دین در ایجاد وحدت باید گفت کیفیت این امر ممکن است به این صورت باشد که اسلام همه را به همگرایی فراخوانده و بهره گیری از آموزه های دینی موجب وحدت است یا این که دین مقدس ترین عنصر در میان مسلمانان است که همگان آن را باور دارند و از اصول مشترک مسلمانان است یا این که صرفاً دین، واحد عامل وحدت است.

در جمع بندی این سه وجه باید گفت که دین براساس این سه صورت، موجب همگرایی است و اگرچه برخی از مسلمانان در مواجهه با احکام اسلامی قرائت های متفاوتی داشته اند، ولی اصل دین و التزام به دین واحد، عنصر وحدت بخش در جامعه اسلامی است.

در پایان به این نکته اشاره می کنیم که اسلام این ظرفیت را دارد تا در پرتو هدایت های خود بین مسلمانان ایجاد همبستگی نماید، همان طور که در سال های نخست طلوع خورشید اسلام، اختلافات موجود میان قبایل حجاز و حتی اقوام خارج از جزیره العرب را پایان داد و آنان را به صورت امت واحد ای به جهان آن روز نمایان سازد.

۲. پیامبر اسلام (ص)

از جمله محوری ترین امور در ایجاد همگرایی بین مسلمانان اقرار به نبوت پیامبر خاتم است. خداوند در قرآن، رسول خدا را محور وحدت عملی مسلمانان معرفی فرموده است:

وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا.

«ما آتاکم»، شامل تمامی گفتار و کردار رسول خداست، چه ملاک و معیاری روشن تر و آشکارتر از این که خداوند بفرماید: هر آنچه که پیامبر انجام می دهد انجام دهید؟ ملاک سنجش و درستی و نادرستی اعمال، عمل رسول خداست که در تأیید این موضوع در جای دیگر می فرماید «وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی».

براساس گفته بسیاری از دانشمندان «ما ینطق» ناظر به سخنان آن حضرت تنها نیست، بلکه شامل اعمال و کردار آن حضرت نیز می شود. حال که سخن و سیره پیامبر تنها ملاک سنجش

۱۷. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۵۶.

۱۸. التبیان، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۶.

۱۹. روح البیان، ج ۲، ص ۱۷۲ صافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲.

۲۱. همان، خطبه ۳۹.

۲۲. سید شرف الدین، الفصول المهمه، ص ۱۳.

۲۳. المراجعات، ص ۳.

برخی در تفسیر آیه **واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا** گفته اند که مراد از حبل الله دین اسلام است. در مجمع البیان آمده است:

فی معنی حبل الله اقوال، احدها انه القرآن وثانیها انه دین الله الاسلام.^{۱۷}

و در تفسیر التبیان نیز آمده است:

وفی معنی قوله بحبل الله قولان ... وقال ابن زید بحبل الله دین الله ای دین الاسلام.^{۱۸}

در تفسیر روح البیان و تفسیر صافی نیز به این معنا اشاره شده است.^{۱۹}

در زمینه وحدت بخشی دین اسلام امیر مؤمنان بیان کوتاه و رسایی دارند، می فرماید:

وانما انتم اخوان علی دین الله؛^{۲۰} واقعیت جز این نیست که همگی شما براساس دین خدا برادرید.

اما دین یجمعکم؛^{۲۱} آیا دینی نیست تا محور اتحادتان باشد. امام شرف الدین در این باره می فرماید:

اجمع اخواننا اهل السنة علی ان الاسلام والایمان عبارة عن الشهادتین والتصدیق بالبعث والصلوات الخمس الی القبلة وحج البيت وصیام الشهر والزکاة والخمس المفروضین وبهذا تعلن الصحاح السنة وغیرها؛^{۲۲} همه برادران اهل سنت متفق القولند بر این که اسلام و ایمان عبارت از شهادتین و اقرار به نبوت پیامبر و نمازهای پنجگانه به سوی قبله و حج گزاردن و روزه یک ماه و پرداخت زکات و خمس واجب است و بر این موضوع صحاح ششگانه اهل سنت صحه گذارده اند.

با توجه به این شمول، همه مسلمانان تا مادامی که پایند این امورند مسلمان حساب می شوند و نمی توان هیچ گروهی از آنان را علی رغم التزام به این امور مسلمان ندانست و از امت اسلامی به شمار نیآورد.

هم او در مقدمه کتاب ارزشمند المراجعات می گوید:

من به سلیم بشری گفتم از جمله اموری که ما شیعه و سنی - بر آن اتفاق نظر داریم این است که هر دو گروه حقیقتاً دل در گرو اسلام پاک داریم.^{۲۳}

پس یکی از محورهای همگرایی دین واحد و یکی بودن دین

است پس باید حول این محور گرد آمد و آن را زمینه ای مؤثر در اتحاد و همگرایی مسلمانان بدان دانست.

امام علی درباره نقش وحدت محوری پیامبر اسلام (ص) می فرماید:
فَصَدَّحَ بِمَا أَمَرَهُ، بَلَّغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ، فَلَمَّ اللَّهُ بِهِ الصَّدْعَ، وَرَتَّقَ بِهِ الْفَتَقَ، وَالْفَّ بِهَ الشَّمْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ، بَعْدَ الْعِدَاوَةِ الْوَاضِعَةِ فِي الصُّدُورِ، وَالضُّغَائِنِ الْقَادِحَةِ فِي الْقُلُوبِ؛^{۲۴} او (پیامبر اسلام (ص)) شکاف های اجتماعی را به وحدت اصلاح و فاصله ها را به هم پیوند و پس از آن که آتش دشمنی ها و کینه های برافروخته شد در دل ها راه یافت و میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد.

و باز می فرماید:

قَدْ صُرِّحَتْ نَحْوَهُ أَفْعَادَةُ الْأَبْرَارِ، نُتِيَتْ إِلَيْهِ أَرْزَمَةُ الْأَبْصَارِ. دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضُّغَائِنَ، وَأَطْفَأَ بِهِ النَّوَاتِرَ، أَلْفَ بِهَ إِخْوَانًا؛^{۲۵} دل های نیکوکاران شیفته او گشته، توجه دیده ها به سوی اوست؛ خدا به برکت وجود او کینه ها را دفن و آتش دشمنی ها را خاموش کرد و با او میان دل ها الفت و مهربانی ایجاد نمود.

نقش پیامبر در ایجاد وحدت از دو جهت درخور پیگیری است:

الف. نخست آن که پیامبر اسلام، فرستاده خداوند و تا قیامت پیامبر همه مردم می باشد، از این رو به عنوان پیامبر واحدی مورد پذیرش عموم مسلمانان است و لذا یکی از اصول مشترک همه مسلمانان محسوب می شود. وحدت بخش بودن وجود پیامبر اسلام آن چنان برجسته است که توجه دشمن مسلمانان را به خود جلب کرده است؛ کفار در جنگ احد برای شکستن روحیه مسلمانان فریاد برآوردند که پیامبر کشته شده است، گروهی از مسلمانان تحت تأثیر این شایعه از معرکه گریختند و این نشان از آن دارد که وجود پیامبر از مؤثرترین زمینه ها برای ایجاد همگرایی بوده است.

این نقش مؤثر هنوز هم استمرار دارد؛ پس از گذشت قرن ها هنگامی که یک عنصر مزدور به ساحت مقدس پیامبر اسلام جسارت می کند همه مسلمانان با حساسیت بسیار در مقابل این عمل، عکس العمل گسترده و یکسانی نشان می دهند و به همه اردو نشینان استکبار جهانی اعلام می کنند که تحمل جسارت به ساحت مقدس پیامبر را ندارند و پس از گذشت قرن ها از ارتحال پیامبر، مرقد و مضجع شریف آن حضرت، زیارتگاه مسلمانان است و هیچ مسلمانی نیست که به زیارت بیت الله الحرام مشرف شود، ولی به مدینه و به زیارت قبر مطهر پیامبر نرود و اجتماع عظیم مسلمانان در هر سال در ایام حج و زیارت بارگاه نبوی در کنار زیارت کعبه عظیم، نمایشی از همگرایی و وحدت کلمه

مسلمانان حول این محور مهم می باشد.

ب. جهت دیگر این است که پیامبر علاوه بر آن که رسول خداست رهبر مسلمانان نیز هست. رهبر در هر جامعه ای مایه وحدت و همگرایی است و می تواند نیروهای موجود در آن جامعه را به سوی هدف واحدی هدایت کند؛ امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می فرماید:

إِنَّمَا أَنَا قَطْبُ الرَّحَى، تَدُورُ عَلَيَّ وَأَنَا بِمَكَانِي فَأَنَا فَارِقَةٌ اسْتَحَارَ مَدَارَهَا وَاضْطَرَبَ ثِقَالُهَا؛^{۲۶} بی شک من قطب آسیابم، چرخ های کشور باید بر محورم همراه بچرخد و من در جای خویش ثابت بمانم، اگر لحظه ای من جایگاهم را رها کنم مدارش سرگردان می شود و سنگ زیرین آن به لرزش می گراید.

بزرگ ترین دلیل بر محوریت پیامبر در اتحاد مسلمانان، تفرقه آنان پس از ارتحال آن بزرگوار است، امیر مؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

فَلَمَّا مَضَى -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- تَنَازَعَ الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ؛^{۲۷} همین که آن حضرت در گذشت مسلمانان به کشمکش پرداختند.

از این رو سید شرف الدین بر این محور وحدت تأکید می ورزد و در کلماتی که پیشتر بدان اشاره شد بر محوریت رسول خدا در همگرایی مسلمانان از قول اهل سنت تأکید می ورزد و سیره عملی او گواه صادقی بر این مدعای او بود که جشن میلاد پیامبر اکرم را در روز ۱۲ ربیع الاول، مطابق نظر اهل سنت، برگزار می نمود.

بر اساس همین محوریت است که اهل سنت خود را پیروان پیامبر اکرم می دانند و نام «سنت» را که اشاره به سنت رسول خداست، خود نهاده اند و همه اهل سنت از چهار گروه تحت این نام گرد آمده اند.

۳. کتاب آسمانی واحد

یکی دیگر از محورها و زمینه های همگرایی و اتحاد مسلمانان داشتن کتاب آسمانی واحد است. قرآن معتبرترین و تنهاترین

۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱.

۲۵. همان، خطبه ۹۶.

۲۶. همان، خطبه ۱۱۸.

۲۷. همان، نامه ۶۲.

از این بیان روشن امیر بیان می‌توانیم به این نتیجه برسیم که قرآن و دستورات آن، سراسر وحدت آفرین است و هر دستور آن فرمان دیگر را تأیید و تصدیق می‌کند و اختلافات موجود می‌تواند با محوریت قرآن برطرف شود و مایه اختلاف را باید در امور غیر از دین و پیامبر و قرآن جستجو کرد و این هر سه از اساسی‌ترین محورهای اتحاد و همگرایی است و این سه رکن اساسی می‌توانند پایه‌های مستحکمی برای بنای کاخ اتحاد و همگرایی مسلمانان باشد.

حال که زمینه‌های همگرایی اسلامی روشن شد لازم است به اموری اشاره شود که می‌تواند با استفاده از این زمینه‌ها در مسیر ایجاد همگرایی به کار آید، در این قسمت به عوامل همگرایی مسلمانان اشاره می‌کنیم.

عوامل همگرایی

۱. وجود عالمان آگاه و بیدار

از مهمترین عوامل تحقق همگرایی وجود عالمان آگاه و بیدار است. هم آگاهی لازم است هم بیداری، چرا که غیر متخصصین و کسانی که ردای علم و فضیلت را به گزاف بر دوش نهاده‌اند در این راه اگر خار راه هم نباشند توان تحمل چنین باری را ندارند. امام سید شرف الدین یکی از آن عالمان بیدار است که کمتر مانند او را می‌توان در میان عالمان دینی و حوزه‌های علمی یافت. او عالمی بزرگ بود که مراتب و مدارج علمی را در نجف اشرف تحت اشراف بزرگان این حوزه با پشتکار و تلاشی ستودنی طی کرد و برای استفاده از بزرگان و اساتید دیگر به کربلا و کاظمین و سامرا مسافرت کرد، در این جا به گوشه‌هایی از تلاش‌های علمی او اشاره می‌کنیم:

سید شرف الدین در مدت پانزده سال که در عراق به سر برد از محضر بزرگانی چون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آسید کاظم طباطبایی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید اسماعیل صدر و شیخ حسن کربلایی استفاده برد و هنگامی که در سن ۳۲ سالگی نجف را به قصد جبل عامل ترک می‌کند صاحب چندین اجازه اجتهاد بود و اجتهاد مطلق او مورد قبول همگان قرار گرفت.^{۲۲}

سید شرف الدین در زمینه حدیث و علوم مرتبط به آن چنان

۲۸. همان، خطبه ۱۲۵.

۲۹. همان، خطبه ۱۸.

۳۰. همان.

۳۱. همان.

۳۲. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۵۴.

قانون آسمانی در بین مسلمانان است و همه مسلمانان به اعتبار آن اقرار کرده‌اند.

امیر مؤمنان (ع) با استناد به آیه ای از قرآن به محوریت قرآن و نیز سنت رسول خدا (ص) برای رفع اختلافات اشاره می‌کند:

وقد قال الله سبحانه: «فإن تنازعتم في شئ فردوه إلى الله والرسول» فرده إلى الله أن تحکم بکتابه ورده إلى الرسول أن ناخذ بسنته^{۲۸} خدای بزرگ فرمود اگر در چیزی خصومت کردید آن را به خدا و رسول بازگردانید. بازگرداندن آن به

خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم و بازگرداندن به پیامبر این است که سنت او را انتخاب کنیم.

امیر مؤمنان (ع) در کلامی دیگر دقیقاً به محوریت قرآن در ایجاد وحدت اشاره کرده است، امام درباره عالمانی که در یک موضوع آرای مختلفی بنابر نظر شخصی خود ارائه می‌دهند می‌فرماید:

ترد تلك القضية بعينها على غيره فيحكم فيها بخلاف قوله؛^{۲۹} دعوائی درباره یکی از احکام را نزد عالمی می‌برند که با رأی خود حکمی صادر می‌کند، پس همان دعوا را از دیگری می‌برند که او درست برخلاف رأی اولی حکم می‌دهد.

سپس امام می‌فرماید:

چگونه اینان در یک موضوع واحد، احکام متفاوتی می‌دهند در حالی که خدای آنها یکی است و پیامبر آنها یک پیامبر و کتاب آنها یک کتاب. حقیقت مسأله چیست؟ آیا خداوند سبحان آنان را به اختلاف امر کرده است و اینان اطاعت کرده‌اند یا این که آنان را از اختلاف نهی کرده، ولی آنان نافرمانی کرده‌اند.^{۳۰}

امام در این جا با توضیح بیشتر مطلب در کشف مایه اتحاد و بیان عامل اختلاف می‌پردازد و می‌فرماید:

آیا خداوند دین را ناقص قرار داده است و از اینان جهت اتمام آن یاری خواسته است یا این که خداوند دین را کامل قرار داده، ولی پیامبرش آن را به تمامه تبلیغ و ادا نکرده است، در حالی که خداوند می‌فرماید: «ما فرطنا فی الكتاب من شیء»، «فیه تبیان لكل شیء» و خداوند فرموده است که بعضی از این کتاب، بعضی دیگر را تصدیق و تأیید می‌کند یا فرموده است اختلافی در آن نیست «ولو کان من عند غیر الله لو جدوا فیه اختلاف کثیراً»^{۳۱}.

دانشی اندوخته بود که به حدّ یکی از نمونه های والا در این زمینه بود و یکی از انسان های بزرگی بود که از معارف حقه بهره یافته و محتوای احادیث را به خوبی شناخته بود؛ در این باره فقط به کلامی از شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه اکتفا می کنیم:

شرف الدین، احادیثی که از پیامبر و صحابه و اهل بیت روایت شده است همه را خواند، چه از مأخذ سنی و چه شیعه، آن هم به صورتی دقیق و توأم با تحقیق تا جایی که می توان گفت او همه احادیث را فرا گرفته است و از این جا بود که به نشان دادن مسائلی و روشن کردن حقایقی توفیق یافت که بسیاری از عالمان نیز تا پیش از آن که قلم آزاد و منزّه او آنها را بپراکند اطلاعی از آن نداشتند. ۳۳

در زمینه تاریخ آن چنان عمیق تحقیق کرد که شیخ آقا بزرگ می گوید:

اسناد و مدارک و نوشته های تاریخ اسلام را به دقت خواند و غربال کرد تا نامعتبر را از معتبر باز شناخت. ۳۴

سید شرف الدین همچنین متکلمی زبردست است و با توجه به محتویات آثار شرف الدین باید او را در علم کلام اسلامی نیز از استادان زبردست بدانیم، در خلال مباحث و آثار او مسائل کلامی و استدلال های عقلی درباره حقایق اعتقادی بسیار بسیار به چشم می خورد. ۳۵ او خود در وصف کتاب های تلف شده خود می گوید:

در کتاب سبیل المؤمنین و در کتاب النصوص الجلیبه تا جایی که بخواید دلیل های عقلی و نقلی و استدلال های حکمی عرضه شده بود. ۳۶

در مقدمه النص والاجتهاد آمده است:

اطلاعات حدیثی و رجالی شرف الدین منحصر به احادیث و رجال شیعه نبود و از احادیث و روایان اهل سنت نیز اطلاعات وسیعی داشت، چنان که این امر از همه کتاب های او آشکار است و مشایخ اجازه حدیثی او از اهل سنت نیز بسیارند که آنان را در کتاب ثبت الاثبات ذکر کرده است. ۳۷

این مبحث را با کلامی از سلیم بشری هنگامی که سید شرف الدین را در نامه خود مخاطب قرار می دهد به انتها می بریم: من هم اکنون در کنار دریای بیکران علم تو ایستاده ام، اجازه می خواهم که خود را در امواج آن اندازم و فروروم و از درهای گرانهای آن به دست آورم. ۳۸

در کنار دانش بسیار عالمان دینی بیداری آنان در این رابطه بسیار مهم و نقش اساسی دارد، چرا که عالمانی که شناخت درستی از زمان و واقعیت ها و حوادث زمان خود ندارند و چشم خود را به روی حوادث زمان خود بسته اند هیچ گاه احساس نیاز به همگرایی

نمی کنند و درک این نیاز، قدم اول در تحقق همگرایی است. در تمامی مواردی که مصلحان و خیراندیشان به هدف ایجاد اتحاد قیام کرده اند با شناخت دقیق زمان و احساس نیاز به این امر حیاتی، تمام تلاش خود را در جهت رسیدن به این هدف به کار گرفته اند.

سید شرف الدین در بحبوحه کوشش های استعمار برای هر چه بیشتر کردن اختلاف ها و تفرقه و جدایی ها در میان مسلمانان یعنی در سال ۱۳۲۹ هجری قمری وارد مصر می شود تا اقداماتی عملی در این راستا انجام دهد. شرف الدین این تفرقه افکنی ها را همراه اختلافات گذشته یک جا می نگرد، پیش از آن نیز این دردها را به خوبی لمس کرده است، این است که جاننش از درد و دریغ آکنده می شود و پیوسته می کوشد تا در این سفر - به عالمان اهل سنت و کسانی که نفوذ کلمه دارند نزدیک شود و دردها را در میان گذارد و به ادای تکلیف مقدس الهی قیام کند و راهی برای رهایی اسلام از چنگال این مشکلات و مصائب بیابد و مسلمانان خفته را بیدار کند و عزت اسلامی از دست رفته را به مسلمین باز گرداند. ۳۹

سال ها پس از درگذشت امام شرف الدین باز شاهد این کوشش ها هستیم که از سوی عالمان آگاه و بیدار صورت می گیرد: آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی و شیخ محمود شلتوت. این دو عالم فرهیخته که اولی نمایندگی افتخار آفرین تشیع را و دیگری ریاست فخریه جامع الازهر مصر را بر عهده دارد تلاش های درخور ستایشی انجام دادند، فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت بر مجاز بودن اعتقاد به مبانی فقهی شیعه در کنار چهار فرقه اهل سنت از آن جمله است.

۲. مراکز علمی - تحقیقاتی

یکی از عوامل مهم برای تحقق همگرایی و اتحاد عملی مسلمانان وجود مراکز علمی - تحقیقاتی معتبر است تا بتوان در آن مراکز به

۳۳. نقیه البشر، ج ۳، ص ۱۰۸۳، به نقل از شرف الدین، ص ۵۸.

۳۴. همان.

۳۵. همان.

۳۶. الفصول المهمه، ص ۱۴۶، به نقل از شرف الدین، ص ۷۰.

۳۷. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۱۳۹.

۳۸. المراجعات، ص ۷.

۳۹. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۱۷۸.

هر صورت ممکن در میان دو گروه بزرگ مسلمان افراستی را بیابند که زمینه های تندروی در آنها وجود دارد و سعی کرده اند با تحریک احساسات آنان، اقداماتی تندروانه در مقابل همدیگر انجام دهند و این کوشش ها متأسفانه تا حدود زیادی به نتیجه رسیده و هدف شوم آنان را تأمین کرده است.

امام شرف الدین در این راستا با سعه صدری نظیری کوشش کرد و هیچ گاه دچار تندروی نشد و عمل او می تواند سرمشق همه کسانی باشد که پای در این میدان می نهند، او حقایق را به خوبی و روشنی بیان می کرد و از بیان هیچ حقیقتی در این باره فروگذار نکرد و اعتقادی به نگفتن و کتمان حقایق و نسیان مسائل و اتهام ها و پاسخ ها^{۴۱} نداشت، اما در این راه دچار افراط و تندروی نشد.

پس از بیان عوامل وحدت و همگرایی به موانع آن می پردازیم تا شناخت این موانع گامی در از میان برداشتن آنها باشد.

موانع همگرایی

چون موضوع همگرایی و اتحاد مسلمانان از مهمترین موضوعات مطرح در طول تاریخ اسلام بوده است و آثار و نتایج حیاتی برای مسلمانان به دنبال داشته است دشمنان پیوسته کوشیده اند در راه تحقق آن موانعی ایجاد نمایند و اکثر این دشمنی ها از خارج مرزهای اسلامی بوده است؛ در بیشتر جدایی ها و تفرقه ها بین مسلمانان خواست و اراده بیگانگان مشهود و معلوم است. البته تلاش های پیگیر دشمنان اسلام به گونه ای بوده که به حضورشان نیاز نباشد، موانع از درون جوامع اسلامی ظهور کرده و در داخل مرزهای اسلام، کسانی دست به کار تفرقه افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مسلمین شده اند. در راه همگرایی مسلمین موانع متعددی را شماره کرده اند، از جمله:

تعصب و تقلید که در تعصب مذهبی و نژادی نمایان شده است؛ سیاست های بیگانه؛ دور شدن مسلمانان از تعالیم اصیل اسلامی و پیدایش جهل و خرافات، بدعت و تقلید؛ منشأ سیاسی توسط علما سوء و درباری از یک طرف و زمامداران و حکام از طرف دیگر؛ اختلافات علمی و اجتهادی میان علما که به میدان زندگی عمومی مردم برده شود؛ اندیشه های هوس آلود و مسائل نژادی؛ سوءفهم؛ غفلت مسلمین؛ تهمت ها و افتراها؛ صهیونیسم؛ کمونیسم؛ نفوذ و رسوخ رذائل اخلاقی در میان مسلمین؛ فرقه گرایی و مجادلات مذهبی؛ حکومت های وابسته و خودکامه.

۴۰. النص والاجتهاد، مقدمه، ص ۶۲، به نقل از شرف الدین، ص ۱۷۶.

۴۱. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۱۷۶.

پرورش انسان های عالم و فرهیخته پرداخت. چون این مراکز حقیقت علم را جستجو می کنند و توانایی خود را صرف پژوهش های عمیق علمی می نمایند تلاش های آنان ارزشمند است و می تواند در عرصه های مختلف از جمله ایجاد همگرایی مؤثر باشند.

نکته حائز اهمیت این است که این مراکز باید علمی و تحقیقاتی باقی بمانند و از سوسه های سیاسی و تحرکات بیگانگان، که در پی نفوذ به این مراکز هستند، دور بمانند، چرا که آنان با اقدامات مخرب خود فضا های علمی را با اهداف سلطه جویانه و تفرقه افکنانه آلوده می نمایند. در این باره باید گفت که کتاب المراجعات محصول تلاش های دو عالم فرهیخته است که در دو مرکز علمی معتبر پرورش یافته بودند و با توانایی علمی در خور تلاش های مفیدی در تقریب دو مذهب شیعه و سنی نمودند که قطعاً وجود این دو مرکز نقش برجسته ای در به ثمر نشستن این تلاش ها داشته است.

۳. تبلیغات مثبت

یکی از عوامل رسیدن به همگرایی اسلامی تبلیغات است که باید این تبلیغات به صورت مثبت و در جهت معرفی صحیح طرفین باشد یعنی هم شیعه و هم اهل سنت باید آنچه را که موجب آگاهی و اطلاع همدیگر است در معرفی خود بگویند، چرا که بر اثر تلاش های بیگانگان در جدایی شیعه و اهل سنت این دو گروه تا حدود زیادی از همدیگر بی اطلاع مانده اند و بخش عمده ای از دلایل جدایی ها، بی خبری یا اندک بودن اطلاعات این دو گروه از همدیگر است.

در این راه نباید نگفتن حقایق را عامل اتحاد شمرد. نظر شرف الدین این بود که بسیاری از اختلافات سنی و شیعه، پایه درستی ندارد، بلکه سرچشمه آنها دروغ ها و اتهام ها و تبلیغاتی است که در شرایط زمانی خاصی مطرح شده است و قدرت های سیاسی گذشته آنها را اشاعه داده اند^{۴۰} که در نتیجه این اقدامات، این دو گروه حتی در سطح عالمان آنها از یکدیگر در فضای بی خبری یا فضای آلوده و مسمومی قرار گرفته اند.

۴. جلوگیری از تندروی ها

دشمنان اسلام و بیگانگان همیشه به دنبال این بوده اند که به

در این نوشتار به برخی از مهمترین موانعی که بر سر راه همگرایی مسلمانان بوده است اشاره می‌کنیم.

۱. توطئه استعمار

مهمترین مانع در راه همگرایی مسلمانان، استبداد و استعمار است که در ابعاد و چهره‌های مختلف و سیاست‌های رنگارنگ خود، پاره‌ای از علل و عوامل دیگر تفرقه مسلمین را باعث شده‌اند. همان‌گونه که اشاره شد دشمنی با اتحاد مسلمانان سابقه‌ای دیرینه داشته و ریشه‌های این دشمنی را در روزهای نخست حیات اسلام در مدینه می‌یابیم، چرا که همگرایی مسلمانان که بر اساس خواست الهی و برآمده از تلاش پیامبر اسلام بود منافع گروهی را به خطر انداخته و با خواسته‌های نفسانی عده‌ای در تضاد و تزاخم بود، لذا بنای عداوت و سنگ اندازی در مسیر تحقق جامعه آرمانی و به هم پیوسته مسلمانان گذاشته شد. پیوسته سعی می‌شد پیوندهایی گسیخته گردد که پیامبر سعی در ایجاد آنها داشت و از روز نخست برای تحقق آنها تلاش کرده بود. این حرکت‌ها منحصر به شبه جزیره عربستان و سرزمین حجاز و محدود به زمان صدر اسلام نشد، بلکه همراه با پیشرفت اسلام، کینه‌توزی‌ها نیز ادامه یافت و به صورت‌های مختلفی ظهور و بروز داشته است.

با کمال تأسف باید گفت که این تلاش‌ها در عصر حاضر انسجام یافته‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر از قبل و با به کار گرفتن تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود و ابزار لازم برای دستیابی به اهداف خطرناک و سهمگین جان تازه‌ای گرفته و اتحاد مسلمانان را مورد هدف تیرهای تفرقه قرار داده‌اند.

در این باره نکته مهمی حائز اهمیت است و آن این که هدف نهایی و اصلی استعمار کهنه و نو چیزی جز نابودی اصل دین نیست و اگر قرائت خاصی از دین را می‌پذیرند و با قرائت دیگری دشمنی ابراز می‌کنند از سر ناچاری و اضطرار است تا از این طریق اعتمادبخشی از مسلمانان را به خود جلب کنند و با وسیله قرار دادن همان گروه به اهداف شوم خود نایل آیند و با جمع بندی سخنان و حرکات دشمنان در این باره می‌توان به این نتیجه رسید که دشمنی آنان با اصل دین است و تا امکان نابودی دین و مقدمات آن فراهم نشود لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد؛ از این رو بر مسلمانان است که با شناخت هدف واقعی دشمنان، دست از اختلاف بردارند و با اتحاد حول محورهای وحدت بخش - که مورد پذیرش و توجه همه مسلمانان است - در مقابل توطئه‌های بیگانگان ایستادگی کنند.

سید شرف الدین با درک درست شرایط زمان و توطئه‌های

استعمار، برای مقابله با آن قیام کرد و حرکتی مبارک را آغاز کرد و از سال ۱۳۲۷ هجری قمری که اثر ارزشمند و وحدت آفرین خود الفصول المهمة فی تألیف الامة را در راه ایجاد الفت و همگرایی بین مسلمانان نگاشت پیوسته در این راه گام برداشت و اندکی فروگذار نکرد. او در سال ۱۳۲۹ هجری قمری به اندیشه سفر کردن به مصر می‌افتد تا در آن جا دست به کاری زند و در ساحل نیل به آرزوی خویش نایل آید و تفرقه‌ها را بزاید و جلو تبلیغات و سمپاشی‌ها و خرابکاری‌های تفرقه افکنانه استعمارگران را بگیرد و در همین سال‌ها اوج کوشش‌های استعمار برای هر چه بیشتر کردن اختلاف‌ها و تفرقه‌ها و جدایی‌ها در میان مسلمانان است. ۴۲. در این باره جمله معروفی از سید شرف الدین در اجتماع مصریان نقل شده است که اشاره به این موضوع دارد، او می‌گوید:

فرقتها السياسة فلتجمعهما السياسة؛ ۴۳ شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست (و مطامع سیاسی) از هم دور کرد و اکنون باید سیاست آنان را کنار هم گرد آورد.

او می‌گوید از ابتدا چیزی که موجب جدایی مسلمانان شد سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های بیگانگان و به طور کلی استعمار بود و اکنون هم با سیاست و برنامه‌ریزی بر اساس مصالح اسلام و مسلمین باید مسلمانان را به اتحاد و همگرایی رساند.

۲. عدم ژرف اندیشی و سطحی نگری

یکی از موانع همگرایی مسلمانان عطف ژرف اندیشی عالمان دین و دانشمندان در مبانی و اصول اسلامی است، چرا که شناخت درست مبانی و اصول در این باره خود عامل وحدت و فراهم کننده زمینه‌های همگرایی است.

سطحی نگری از بزرگ‌ترین زمینه‌های تفرقه و مناسب‌ترین وسیله برای پیاده شدن نقشه‌های استعمار است، لذا دشمنان همیشه کوشیده‌اند مسلمانان را از تحقیق و پژوهش و ژرف اندیشی باز دارند، چرا که با ژرف‌گری می‌توانند به سرچشمه‌های زلال وحدت برسند و مایه‌های اختلاف را صرفاً در امور فرعی و جزئی بیابند و با گرد آمدن حول محور اصول به ریسمان استوار خدایی چنگ زنند.

۴۲. همان، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۴۳. النص والاجتهاد، مقدمه، ص ۱۴.

همدیگر را آماج تیرهای سهمگین تکفیر و تحقیر قرار دهند، چنان که از قدیم گفته اند:

الناس اعداء ما جهلوا به؛ مردم دشمنی چیزی شدند که به آن آگاهی ندارند.

در حالی که دین مبین اسلام جهانیان را به علم و فراگرفتن دانش و تدبیر و ژرف اندیشی فراخوانده است مردم را به دانش دوستی و دانشمندپروری دعوت نموده است و در جای جای قرآن مجید به تدبیر و تفکر و اندیشیدن و به مغز و لبّ مطالب و حقایق دعوت کرده است؛ استفهام های توبخی قرآن در این باره دلیل و گواه روشنی بر این مدعاست.^{۴۵}

از این رو برای بازگشت به مجد و عظمت درخور مسلمین بر تمام مسلمین به ویژه عالمان لازم است تا درباره دین و عقاید اسلام، علم و آشنایی صحیح و عمیق به دست آورند و از هرگونه سطحی نگری و اعتقادات سست و بی پایه پرهیز نمایند که با این کار هم توطئه دشمنان در دورنگه داشتن مسلمانان از علوم و معارف بی اثر می ماند و هم خود به حقیقت دین می رسند و از سرچشمه های پاک و نیالوده به اغراض و مقاصد شوم و هوای نفس سیراب می شوند.

۳. تعصبات مذهبی

در راه رسیدن به همگرایی اسلامی، تعصبات مذهبی یکی از موانع این راه محسوب شده و مانع از فهم حقیقت می گردد. باید دانست مادامی که همه افراد به ویژه عالمان و دانشمندان از شرح صدر و قدرت تحمل دیگران برخوردار نگردند از کشف حقایق باز می مانند و گامی در این راه بر نمی دارند. تعصبات مذهبی از عوامل اساسی دور ماندن از حقیقت است و افراد را به پابندی به خواست های شخصی و عدم انعطاف در شنیدن سخن و سوادی دیگران فرامی خواند.

راه کشف حقیقت در کنار گذاشتن تعصبات مذهبی و احساسات و عواطف شخصی است و تازمانی که امر بر این منوال باشد نمی توانیم در راه همگرایی مسلمانان گامی برداریم. در این راه لازم است که اختلافات را در محدوده بحث های علمی منحصر کنیم و از تعصباتی که از نسل های گذشته تاکنون برای ما به ارث رسیده است و در اثبات آن هیچ سند و مدرکی ما را یاری نمی کند دست برداریم و در این راستا به ائمه معصومین و در رأس آنان امیر مؤمنان (ع) اقتدا کنیم و به شیوه های تعامل آنان با مخالفان اعتقادی خود توجه و عمل نماییم.^{۴۶}

۴۴. المراجعات، ص ۱۱۸ (مراجعة هفدهم).

۴۵. نساء، ۴، آیه ۸۲ و محمد، ۴۷، آیه ۲۴ و مؤمنون، ۶۳، آیه ۶۸ و ص، ۳۸، آیه ۲۹.

۴۶. برگرفته از نداء الوحدة والتقريب بين المسلمين ومذاهبهم، نوشته محمد واعظ زاده خراسانی، ص ۱۰۲.

بخشی از تلاش های مصلحان و نیک اندیشان در صحنه تفاهم و همبستگی مسلمانان همیشه اختصاص به تعمیق نگرش ها و بینش ها داشته است، مجاهدت های علمی شرف الدین و تدوین کتاب های متعدد به دست او گامی در این راستا بوده است، همچنین در این باره باید به زحمات علامه امینی اشاره کرد که با تألیف کتابی در بیش از ۱۰ مجلد همه مسلمانان را به تعمیق در واقعه غدیر دعوت می کند.

با نگاهی به آثار شرف الدین به خوبی درمی یابیم که یکی از اهداف شرف الدین از نگارش این آثار دعوت مسلمانان به ژرف اندیشی است، چرا که بسیاری از مسلمانان از استنادات تاریخی و روایی موجود در این آثار پیشتر هم مطلع بوده اند، ولی آنچه که کمتر بدان پرداخته شده است تعمق و تدبیر در آنها بوده است. این مسأله در کتاب المراجعات آشکارتر است، چرا که هرگاه شرف الدین درباره موضوعی استناداتی ذکر می کند و بنای تفصیل و شرح و بسط آن را ندارد شیخ سلیم بشری درخواست تفصیل آن را دارد و گویی آن چنان است که پیشتر هم از آن مطلع بوده، ولی از دقت ها و تأملات شرف الدین لذت برده و به وجد آمده است آن جا که می گوید:

اما وعینک مارأت عینای ارشح منک فوداً و لا اسرع تناولاً
ولا سمعت اذناى بأرھف منک ذهناً و لا انفذ بصیرة و لا قرع
سمع السامعین الین منک لهجة و لا الحن منک بحجة،
تدفقت فی کل مراجعاتک تدفق الیعوب، و ملکت فی کل
محاوراتک الافواه و الاسماع و الابصار و القلوب؛^{۴۴} به
چشمانت سوگند، دیدگانم قلبی پر طراوت تر از قلب تو،
میوه ای گواراتر از میوه وجود و بیان تو ندیده و گوشم
سخنی خوش تر از سخن تو و نافذتر از تو در بصیرت
نشینده، به گوش هیچ شنونده ای لهجه ای نرم تر از لهجه تو
و نیرومند از حجت و برهان تو نخورده است. در تمام
نامه هایت همچون محققى وارسته، نکات و ریزه کاری های
آن را مراعات کرده ای و در محاورات و بحث های دهان و
دل و چشم و گوش مخاطبان را مسخر کرده ای.

در این باره باید گفت که دور ماندن مسلمانان از تعالیم عالی اسلام یکی از خواست های دشمنان بوده است که در این راستا کوشش های بسیار نموده اند تا بر اثر بی اطلاعی از عمق معارف اسلامی با هم دشمنی ورزند و از سر جهل و سطحی نگری

پاره‌ای از مسائل اختلافی را از نوع «اختلاف امتی رحمة» شمرد که طبیعی و معمولی است و در مسائل جزئی هیچ ضرری ندارد، ضرر و زیان وقتی است که این اختلاف منجر به تفرق و پراکندگی گردد و مسلمانان از مرز برادری خارج شوند. در منشأ این اختلاف باید گفت که در قرآن که اولین و بزرگ‌ترین مأخذ مسلمین است، گذشته از اصول عقاید و پاره‌ای مسائل تغییرناپذیر که ثابت هستند در بعضی از احکام و قوانین «جای احتمال و اجتهاد» است و این نخستین منشأ اختلافات فقها و قواعد نظری و ارزیابی علل و مصالح می‌باشد.^{۵۰}

همچنین دستورات پیامبر چون از ابتدا تدوین نشد و به طرق مختلف نقل و به نسل‌های بعدی رسید چه از نظر سندی و چه از نظر محتوا یا الفاظ و عبارات و امثال آن باعث بروز اختلاف گشت. حتی در مواردی در قواعد مورد استفاده علما برای درک حقایق قرآن و روایت اختلاف وجود دارد، اما این اختلافات که سرچشمه اختلاف علماست به مقتضای حکمت الهی می‌باشد، زیرا چنانچه خداوند می‌خواست می‌توانست تمام احکام شرع و مسائل آن را به یک سبک نازل کند، ولی او می‌دانست که امور مردم به یک روش اصلاح‌پذیر نیست^{۵۱} به همین دلایل بود که مالک پیشنهاد منصور خلیفه عباسی مبنی بر ترویج و حاکم نمودن تنها فقه او و کنار زدن بقیه مذاهب فقهی را نپذیرفت.^{۵۲}

این لطفی الهی است که همواره امور امت اسلامی در کفه بررسی علمی و عقلی قرار دارد تا دچار خمود نشوند، اگر بنا بود مسائل فرعی و نظری هم مانند اصول ایمانی، یقینی و قطعی باشد راهی برای تعقل و تفکر باقی نمی‌ماند.^{۵۳}

با توجه به این مسأله است که اختلافات در محدوده مسائل فرعی فقهی نمی‌تواند بر پیکره مسلمین ضربه‌ای تلقی شود، همان‌گونه که تاکنون مسلمانان پیرو اهل سنت متشکل از چهار گروه فقهی متفاوت تحت همین عنوان وحدت و همبستگی

۴۷. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلام، ص ۹۹-۱۰۰، به نقل از استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، نوشته سید احمد موتقی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۴۸. همان، ص ۳۱۱.

۴۹. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، توحید کلمه، ص ۱۴۸ به نقل از استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، نوشته سید احمد موتقی، ج ۲، ص ۲۲۸.

۵۰. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلام، ص ۶۸.

۵۱. همان.

۵۲. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، به نقل از سید احمد موتقی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۵۳. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلام، ص ۶۹-۷۰، به نقل از استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، نوشته سید احمد موتقی، ج ۲، ص ۱۶۴.

مسأله تعصب و تقلید غیر مجاز در اموری که باب اجتهاد در آنها باز است در صدر اسلام نمونه‌ای نداشته و مسلمانان با اجتهاد آزاد و اختلاف نظر طبیعی به دور از دشمنی و جدایی و تعصب در کنار همدیگر می‌زیستند، ولی در دوره‌های بعد چهار مذهب حنفی و مالکی و حنبلی و شافعی که در بین اهل سنت پیدایش یافت مکتب پیروان آنها تعصب به خرج دادند تا آن جا که باب اجتهاد را به روی خود بستند و شروع به تقلید از آنان کردند، در حالی که در زمان این فقها و شاگردان برجسته آنان تعصبی نبود و هر دسته تنها خود را بر حق و دیگران را بر باطل نمی‌دانست، بلکه به افکار و نظریات یکدیگر احترام گزارده بودند.^{۴۷}

این تعصبات تا حدودی در پیوند با سیاست و استعمار توانست موجبات تفرقه و جدایی امت اسلام را در دوره‌های بعد تا عصر کنونی فراهم نماید. شیخ محمود شلتوت در ضمن فتوای تاریخی خود در این باره می‌گوید:

بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که در مکتب معینی دارند دوری گزینند، زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود.^{۴۸} ابوزهره - استاد دانشگاه الازهر و رئیس دانشکده حقوق قاهره - در این باره می‌گوید:

در نتیجه تعصبات مذهبی و قومی افتراق و اختلاف موجود میان مسلمین در فکر و احساس و انگیزه و شعور آنان رخنه کرده به حدی که یک مسلمان به مسلمان دیگری که با او در انگیزه فکری اختلاف دارد به دیده دشمنی که در کمین او نشسته است می‌نگرد نه مخالفی که هر دو در جستجوی حقایق شریعت الهی اند. تعصب، افکار مذهبی او را طوری گمراه کرده که آنچه برای او اهمیت دارد دفاع از فکر و اندیشه خود و پیروی آن است، نه دفاع از دین و پیروزی دین و اهل یقین.^{۴۹}

۴. اختلاف فتاوا (برداشت‌های متفاوت)

اختلاف بین علمای دین که ناشی از باز بودن باب اجتهاد است یکی از عوامل و از جمله موجبات رشد و پویایی امت اسلامی است، این شیوه را ائمه دین ترویج می‌کردند و به اصحاب فاضل خود اجازه می‌دادند تا با رعایت اصول و ضوابط اجتهاد به ارائه آرای علمی و فقهی بپردازند و در مواردی که به آنان رجوع می‌شود نظریات منطبق بر اصول شریعت را جهت راهنمایی و هدایت مخاطبان و مراجعه‌کنندگان ارائه نمایند.

این گونه اختلاف‌ها می‌تواند در نشر علوم مختلف مؤثر باشد و سیر تکاملی علوم را یاری نماید تا آن جا که می‌توان

میان، قلم‌هایی که به کار می‌افتد... گاه قلم‌هایی است که امید هیچ چیزی به نوشته‌های آنها نیست و گاه قلم‌هایی است که مزدور و گاه تلم‌هایی در گروه‌گرایی و گاه دستخوش احساسات و در کشاکش این اوضاع است که جامعه اسلام به سقوط کشانیده می‌شود. ۵۵

در این باره در مقدمه کتاب النص والاجتهاد چنین آمده است:

نظر شرف‌الدین این بود که بسیاری از اختلافات سنی و شیعه پایه‌درستی ندارد، بلکه سرچشمه آنها دروغ‌ها را اتهام‌ها و تبلیغاتی است که در شرایط زمانی خاص مطرح شد، سات و قدرت‌های سیاسی گذشته آنها را اشاعه داده‌اند. ۵۶

در کتاب الفصول المهمه به برخی از موانع همگرایی بین مسلمین اشاره شده است. سید شرف‌الدین در این زمینه تکفیر و تحقیر شیعه و نیز روی برگرداندن از مذهب اهل بیت را از جمله عوامل دوری مسلمین و از جمله موانع همگرایی شمرده است. ۵۷ به نظر او شیعیان بدین سبب از برادران اهل سنت خود فاصله گرفته‌اند که آنان به شیعیان اتهاماتی وارد می‌سازند و همچنین به این دلیل که اهل سنت از مذهب اهل بیت (ع) اعراض داشته‌اند. بی‌شک عوامل دیگر جدایی در ایراد اتهامات و نسبت‌های ناروا بی‌تأثیر نیست، عواملی که موجبات دوری مسلمانان را از همدیگر فراهم نموده و بر اثر این دوری، شناخت آنان از همدیگر به حداقل رسیده و در این حال توطئه‌گران با شایعه‌پراکنی، دروغ‌هایی را رواج داده و افکار مسلمین را نسبت به هم تحریک نموده و ناآگاهان مسلمانان خود رواج این شایعات و اتهامات دروغ را در سطح وسیعی مرتکب شده‌اند و این مسأله اختصاص به گروهی خاص نداشته و در میان شیعیان هم افرادی یافت شده‌اند که عهده‌دار نشر اکاذیب و وارد ساختن و رواج اتهامات به اهل سنت بوده‌اند و خواسته یا ناخواسته آتش بیار معرکه جدایی و تفرقه بین مسلمانان شده‌اند و بدون در نظر گرفتن مصالح عالی مسلمانان اقدام به عمیق‌سازی شکاف به وجود آمده بین مسلمانان نموده‌اند و این اقدامات تفرقه‌افکنانه زمانی پایان خواهد یافت که همه مسلمانان یک تصمیم جمعی بر منع شایعه‌پراکنی و رواج اتهامات علیه یکدیگر بگیرند و پیروان خود را به رعایت و اجرای این تصمیم ملزم نمایند، به امید آن روز.



۵۴. همان، ص ۳۱۰.

۵۵. محمدرضا حکیمی، شرف‌الدین، ص ۱۸۰ (دفتر نشر فرهنگ اسلامی).

۵۶. النص والاجتهاد، ص ۵۰۶ و ۵۰۷.

۵۷. الفصول المهمه، ص ۱۸۰.

داشته‌اند. شیخ محمود شلتوت رئیس وقت الازهر با استناد به این که این مقدار از اختلاف مورد تأیید اسلام است فتوای مشهور خود در جواز تقلید از مکتب جعفری را صادر می‌نماید. ایشان در پاسخ به سؤالی - که از او پرسیده بودند آیا جناب عالی با این نظر کاملاً موافقید که مثلاً پیروی از مکتب امامیه اثنی عشری مغایرتی با دین ندارد - می‌گوید:

آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده، بلکه هر مسلمانی می‌تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود بدون گشته پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از این مکتب‌های (چهارگانه) باشد می‌تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد) منتقل شود. مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز می‌باشد. ۵۴

۵. اتهامات واهی و شایعات کذب

یکی دیگر از عوامل تفرقه یا موانع وحدت و همگرایی بین مسلمانان، اتهاماتی است که مسلمانان به همدیگر وارد می‌سازند. ریشه برخی از نسبت‌های ناروا که مسلمانان در طول تاریخ نثار همدیگر کرده‌اند در هواهای نفسانی و اندیشه‌های هوس‌آلود و ریشه برخی دیگر از آنها در توطئه‌های استعماری و استکباری است که با استفاده از زمینه‌های موجود در بین مسلمانان رواج داده شده‌اند، گاه این افتراها به حدی مبتذل است که مایه تعجب همه - چه شیعه و چه سنی - است، زیرا که هیچ پایه و اساسی ندارد و از ساخته‌های دست بیگانگان است. ریشه برخی دیگر از این نسبت‌های ناروا و دروغ‌های بزرگ، ناآگاهی مسلمانان از یکدیگر است و این نوع نسبت‌ها با عمیق‌تر شدن شکاف و جدایی میان مسلمانان پیوسته رو به رشد و گسترش بوده‌اند، چرا که دوری مسلمانان از همدیگر و نبودن زمینه‌های تفاهم و گفتگو موجبات عدم شناخت از همدیگر را فراهم کرده است. سید شرف‌الدین با اشاره به وضعیت دردناکی که مسلمانان بر اثر خصومت‌ها و دشمنی‌ها به آن مبتلا شده‌اند می‌گوید:

افسوس و صد افسوس که برادران مسلمان که به یک مبدأ و به یک دین معتقدند حضورشان در پهنه حیات، همیشه حضوری خصمانه بوده است و پیوسته با هم درگیر شده‌اند و چونان مردم بی‌فرهنگ، درگیری را به اوج رسانیده‌اند... این است جو اجتماعی نگرانی بار مسلمین در طول سال‌ها و سده‌ها و این است مصیبت‌هایی که از هر سوی ما را در میان گرفته است، از پیش و پس و از راست و چپ و در این

